

علم اصول الفقہ

۲۶

۷-۹-۱۹ پیدایش علم اصول

دراسات الاستاذ:
مهدی الهادی الطهرانی

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- اوایل قرن یازدهم یعنی دوران صاحب معالم، شخصیتی ظهور کرد که تأثیری در علم اصول داشت. هر چند این تأثیر، یک تأثیر منفی بود، اما در ادامه، تبدیل به یک جریان مثبت شد.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- این شخصیت یعنی امین استرآبادی که ده سال بعد از صاحب معالم از دنیا رفته است، با ارایه‌ی آرای جدید (اخباری-گری) باعث گردید اصول در جریان تحولات جدید قرار گیرد و بحث‌هایی طرح شود که تا آن زمان کمتر مطرح گشته بود. وی اخباری-گری را به عنوان یک مذهب و مکتب در مباحث فقهی مطرح کرد.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- در حالی که باید توجه داشت اخباری-گری کهن یعنی دوران مرحوم کلینی و صدوق با اخباری-گری نوین یعنی زمان استرآبادی و بعد از او، کاملاً متفاوت است. اخباری-گری کهن یک امر طبیعی بود. سطح علمی روزگار مرحوم کلینی و صدوق بیش از اکتفا به ظاهر نصوص را اقتضا نمی‌کرد. در نزد آنها تفریعات کمتر مطرح می‌شد.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- صاحب حدائق، شیخ یوسف بحرانی (متوفای ۱۱۸۶ هـ. ق یعنی حدود ۱۶۰ سال بعد از امین) که خودش به عنوان فقیه اخباری مطرح است و گرایش اخباری دارد، بر ظهور اخباری-گری به عنوان یک مذهب در زمان امین استرآبادی اعتراف می‌کند و می‌گوید: در گذشته‌ی شیعه، شاهد محدثان و مجتهدان هستیم؛ محدثانی چون کلینی و صدوق و مجتهدانی چون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی. اما بین آنها اختلاف و جنگی که امروز مشاهده می‌کنیم، نمی‌بینیم. این اختلاف و جنگ توسط امین استرآبادی ایجاد شده است.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- صاحب حدائق در احوال خود عباراتی این چنین دارد: من مذهب اخباری‌ها را داشتم اما وقتی تأمل و دقت کردم و بحث‌هایی با علمای اصولی داشتم (و مراد او بحث‌هایش با وحید بهبهانی است)، به این نتیجه رسیدم که نمی‌توان از این مکتب تبعیت نمود.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- از این روی صاحب حدائق خودش را اخباری نمی‌داند. وی در دلیل این ادعا می‌گوید: مکتبی که اخباری‌ها به راه انداختند، نتیجه‌ای جز حمله به علمای بزرگ گذشته ندارد.

خصوصیت بارز اخباری-گری

- بنابراین می توان اکتفا به ظواهر حدیث را از مشخصه های اصلی اخباری-گری قلمداد نمود.

علت بروز اخباری-گری

- با این وصف عمده‌ترین دلیلی که در پیدایش اخباری-گری می‌توان بر شمرد، نفی عقل توسط آنها است و عامل دوم نیز به نحوی نتیجه‌ی همین عامل است. آنها با اصول شیعه مخالفت می‌کردند چون معتقد بودند این اصول شبیه اصولی است که در نزد سنی‌ها است و مبتنی بر مباحث عقلی است.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- آیه الله بروجردی معتقد است جنبش اخباری-گری در ایران مقارن جنبش حس-گرایان در غرب است. جنبش حس-گرایی در غرب علیه عقل بود. تقارن و همزمانی این دو حادثه، یعنی اخباری-گری در فرهنگ شیعه و حس-گرایی در فرهنگ غرب، این احتمال را بر می‌انگیزد که امین استرآبادی تحت تأثیر مکاتب غربی و نگرش حس-گرایانه‌ی غربی، بحث اخباری را مطرح کرده باشد.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- البته مباحث امین استرآبادی در الفوائد المدنیة به بحث حسّی-های غربی شباهت دارد.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- به طور مثال وی علوم عقلی را به دو دسته تقسیم می‌کند. یک دسته علوم حسّی که از طریق حس به دست می‌آیند و مستند حسّی دارند. این علوم قابل اعتماد هستند؛ چون با حس می‌توانیم ارزش علمی آنها را ارزیابی کنیم. به اعتقاد او ریاضیات در زمره‌ی علوم عقلی-ای است که مبنای حسّی دارند. دسته‌ی دوم از علوم مبنای حسّی ندارند. این دسته از علوم عقلی به طور کلی فاقد ارزش هستند؛ زیرا راهی برای ارزیابی آنها وجود ندارد.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- این کلمات امین استرآبادی شبیه کلمات حس-گرایان غربی است که طریق معرفت را در حس منحصر می‌دانند.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- اما این فرمایش مرحوم بروجردی از دو جهت قابل قبول نیست:

اخباری‌ها و حس-گرایان

- ۱- نگاه امین استرآبادی ظاهراً با نگاه حس-گرایان غربی متفاوت است. نشانی از آن نگاه حس-گرایانه‌ی موجود در غرب، در آثار امین استرآبادی نیست.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- درست است که هر دو با عقل مخالفند اما مخالفتشان با عقل با یکدیگر فرق می‌کند.
- حس-گرایان با عقل مخالفت می‌کنند چون عامل معرفتِ غیر حس و تجربه را انکار می‌نمایند و اصرار بر همین معارف بشری دارند. در نظر آنان ما فقط می‌توانیم در مورد چیزهایی که احساس می‌کنیم، قضاوت داشته باشیم و عامل معرفتی به نام عقل وجود ندارد.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- در حالی که امین استرآبادی با عقل مخالفت می‌کند چون معتقد است باید در مسایل دینی به نصوص شرعی مراجعه کنیم و باید از وحی و علم ائمه علیهم السلام که یک علم الهی است، بهره ببریم. او نمی‌خواهد عقل را کنار بگذارد و فقط از حس کمک گیرد. اصلاً بحث حس ندارد.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- معرفی کردن بحث معرفت حسی به عنوان معرفت یقینی چیزی است که از گذشته هم مطرح بوده و ارسطو جزو قضایای یقینی و بدیهی، قضیه‌ی حسی را مطرح کرده است. اما حس-گرایان غربی نمی‌خواهند حجیت نصوص و متون را از بحث خود نتیجه بگیرند، حال آن که امین استرآبادی از این بحث به عنوان مقدمه‌ی بحث «لزوم مراجعه به نصوص شرعی» بهره‌گیری می‌کند.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- امین استرآبادی حدود ۴۰۰ سال قبل از دنیا رفته است، یعنی ۱۰۲۱ هـ. ق (و بنا بر قولی ۱۰۲۸ هـ. ق) در حالی که اندیشمندان تجربی مهم مثل «جان لاک» و «هیوم» مربوط به حدود ۳۰۰ سال پیش و به ترتیب در سال‌های ۱۷۰۴ میلادی و ۱۷۷۶ میلادی از دنیا رفته‌اند. بدین ترتیب امین استرآبادی صد سال قبل از این حس-گرایان از دنیا رفته است و یقیناً تحت تأثیر آثار هیوم و جان لاک نیست.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- بله امین استرآبادی معاصر فرانسیس بیکن است. بیکن از کسانی است که زمینه‌ی حس-گرایی را در غرب ایجاد کرد و البته اگر چه حس-گرایی چندان در زمان او گسترش نیافت، ولی به عنوان فیلسوف حس-گرا مطرح است. احتمال دارد به جهت مسافرت-هایی که امین استرآبادی داشته، نوعی انتقال مطلب هم تحقق یافته باشد.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- شهید صدر در مورد آثاری که این دو حرکت یعنی حرکت اخباری-گری و حرکت حس-گرایی، در ادامه‌ی مسیر خود داشتند، می‌گوید: اخباری‌ها و حس-گرایان غربی در پی معیار قرار دادن حس به عنوان معرفت و زیر سؤال بردن علوم عقلی، در نتایج به هم نزدیک شدند. زیرا جریان تجربی در غرب و جریان اخباری-گری در شیعه، هر دو استدلال‌های عقلی بر خدا را مورد انکار قرار دادند.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- از جمله‌ی اخباری-هایی که استدلال عقلی بر وجود خدا را مورد نقد قرار دادند، سید نعمة اللہ جزایری است. صاحب حدائق در «الدرر النجفیة» در مورد سید نعمة اللہ می‌گوید: وی همه‌ی ادله‌ی عقلی اثبات وجود خدا را زیر سؤال برد.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- البته آنچه در نزد اخباری‌ها رخ داد باعث به کفر کشیده شدن آنها نگردید و آنها وجود خدا را انکار نکردند، در حالی که در غرب این جریان موجب کفر و الحاد عده‌ای شد.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- توضیح آن که انکار ادله‌ی اثبات وجود خدا در اخباری‌های افراطی مثل سید نعمه الله جزایری، منجر به عدم امکان مراجعه به عقل برای اثبات وجود خدا گردید. در نظر آنان باید به ادله‌ی نقلی و به مطالبی که انبیا آورده‌اند، مراجعه نمود.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- اما در غرب انکار ادله‌ی عقلی اثبات وجود خدا، عده‌ای را به الحاد منتهی کرد. و آن عده‌ای که در غرب بر ایمان خود باقی ماندند، لازم ندیدند این ایمان بر مبنای عقلی استوار باشد. جریان فیدئیسیم (ایمان-گرایی) در غرب که در اشکال مختلف تحقق یافت، بر اساس همین بینش بود که برای اعتقادات دینی لازم نیست، مبنای عقلی وجود داشته باشد.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- در بین ایمان‌گرایان غربی، افراطی‌ها به این نتیجه منتهی شدند که هر چه عقلاً قابل اثبات باشد، قابل ایمان نیست، ایمان به چیزی تعلق می‌گیرد که قابل اثبات عقلی نباشد. در نتیجه شبیه آنچه در اخباری-گری رخ داد، در غرب هم اتفاق افتاد.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- در هر حال همان گونه که امام خمینی فرمود: احساس خطر اخباری‌ها مبنی بر دور شدن شیعه از شریعت، تعبد و مکتب اهل بیت علیهم السلام با به کارگیری روش اصولی، باعث گردید با عقل و در پی آن با اصولی که به اعتقاد آنها بر پایه‌های عقلی استوار شده بود، به مخالفت برخیزند.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- در مخالفت خود گام به گام قدم‌هایی برداشتند. ابتدا عقل را انکار کردند، بعد در حجیت آیات قرآن برای غیر اهل بیت علیهم السلام مناقشه نمودند. دلیل آنها روایاتی بود که قرآن را برای «من خوطب بهم حجت می‌دانست».

اخباری‌ها و حس-گرایان

- در بحث حجیت اخبار نیز وقتی مسأله‌ی داوری و نقادی روایات طرح گردید، نیاز به علم رجال را انکار کردند و ادله‌ای نیز بر ادعای خود آوردند. به طور مثال گفتند: علم رجال حرام است، جایز نیست پشت سر کسی گفته شود: ثقه است یا نه؟ چه آن شخص در قید حیات باشد و چه نباشد. آنها معتقد بودند بدون رجال نیز می‌توانیم اعتبار روایات را کشف کنیم.

اخباری‌ها و حس-گرایان

- این مطلب را آقای مطهری آورده در بیست گفتار ظاهرا.....
- از جمله سفرهای امین به مدینه النبوی است. وی کتاب الفوائد المدنیة را در آنجا نوشته است.
- ر.ک: شیخ یوسف بحرانی، الدرر النجفیة.
- ر.ک: سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، صص ۴۴ - ۴۵ ؛ سید محمد باقر صدر، بحوث فی علم الاصول (تقریر سید محمود هاشمی)، ج ۴، ص ۱۲۵ ؛ سید محمد باقر صدر، مباحث الاصول (تقریر سید حائری)، ج ۱، قسم دوم، ص ۴۸۴.
- برخی از این دلایل را در کتاب «تحریر المقال» بیان کرده و مورد نقد قرار داده‌ایم.

علمای اخباری

- اخباری-گری، طیف وسیعی از افراد را در بر می‌گیرد. همه‌ی آنها یک شیوه و یک رویه را نداشتند. در بین اخباری‌های افراطی، سه شخصیت شهرت یافته‌اند:
 - امین استرآبادی (متوفای ۱۰۲۱ یا ۱۰۲۸): وی سر سلسله‌ی مذهب اخبارگری به حساب می‌آید.
 - شیخ عبد الله بحرینی (متوفای ۱۱۳۵ هـ. ق): وی شاگرد شیخ سلیمان بحرینی بود. شیخ سلیمان بحرینی تحت تأثیر امین استرآبادی قرار داشت. از آنجا که آرای امین استرآبادی در مدینه طرح گردید، در بحرین نیز شیوع پیدا کرد. بحرین در آن دوران یکی از مراکز مهم شیعی به حساب می‌آمد و علمای بزرگی را در خود داشت.
 - محمد بن عبد النبی نیشابوری معروف به میرزا محمد اخباری (متوفای ۱۲۰۵ هـ. ق): وی تا بعد از دوران وحید بهبهانی نیز بوده است.

علمای اخباری

- فاصله‌ی زمانی هر یک از این سه، حدود صد سال است و هر سه، نسبت به علمای گذشته و مجتهدان بسیار تند هستند و تعابیر رکیکی در مورد آنها به کار می‌برند. آنها مجتهدان را، سنی، مخالف اهل بیت علیهم السلام، بدعت گذار، کافر و ملحد خطاب می‌کردند.

علمای اخباری

- در کنار این اخباری‌های افراطی، اخباریهایی هستند که در عین تقد آرا و اندیشه‌های اصولی‌ها و علمای گذشته با احترام از آنها یاد می‌کنند و اصلاً تعبیر رکیک به کار نمی‌برند. شیخ حر عاملی، مرحوم فیض کاشانی و معتدل-تر از آن دو مرحوم مجلسی دوم و مرحوم صاحب حدائق از جمله‌ی این اخباری‌ها هستند.

علمای اخباری

- دوره‌ی این افراد دوره‌ی اخباری‌های عالم است. آنها مطالب و آرای خویش را بیان می‌کنند بدون این که از تعابیر تند و رکیک استفاده نمایند: بسیاری از مبانی اصولی را قبول ندارند، عقل و اجماع را - به هر شکلی باشد - حجت نمی‌دانند، در اسناد روایات، آن دقت‌ها را که بعضی قایلند، لازم نمی‌دانند و اجتهاد و تقلید را به شیوه‌ی علمای اصول درست نمی‌شمارند.

علمای اخباری

- علمای اخباری در اعتقادات خویش نیز شدت و ضعف دارند. در طیف علمای اخباری از علمایی که هر روایتی را معتبر می‌شمارند تا علمای اخباری که فقط روایات کتب اربعه را معتبر می‌دانند، وجود دارد.

علمای اخباری

- اخباری-گری در دوره-هایی از حیات خود به جایی رسید که مدعیان اخباری-گری نوعاً افراد فاقد توان علمی بودند. حتی در زمان ما هم گاه افرادی که ادعای اخباری-گری می‌کنند، از این دسته‌اند. مسلماً حساب این اخباری‌ها از آنها که در اول مطرح بودند، جدا است.

موسوعه‌های حدیثی

- اگر چه حمله‌ی شدید بعضی شخصیت‌های اخباری به علمای گذشته، جنگی را در داخل مذهب تشیع و بین علمای شیعه ایجاد کرد و باعث شد دو فرقه‌ی اخباری و اصولی پدیدار گردد و در دوره‌ای علمای اصولی در تقیه به سر برند، اما اخباری گری آثار مثبتی نیز با خود به ارمغان آورد.

موسوعه‌های حدیثی

- ظهور نسل جدید موسوعات حدیثی که امروز بهره‌ی فراوانی از آنها می‌بریم، در همین دوران یعنی دوره‌ی شکوفایی اندیشه‌ی اخباری بوده است. بعد از نسل کلینی، صدوق و شیخ طوسی (نویسندگان کتب اربعه-ی: کافی، من لایحضره الفقیه، استبصار، تهذیب) که کتاب‌های فقهی بر اساس کتب روایی آنها سامان پیدا کرد و نسل محدثان اول به شمار می‌آیند، ما یک خلاّ حدیثی داریم. در طول این قرون کسی اقدام به تدوین موسوعه‌ی جدیدی در مباحث حدیثی نکرده است.

موسوعه‌های حدیثی

- موسوعه‌های حدیثی مهم این دوران عبارتند از
- «الفصوص المهمه فی اصول الائمه» تألیف شیخ حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ هـ.ق)
- «الاصول الاصلیه» تألیف ملا محسن فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱ هـ.ق)
- این دو کتاب در بر دارنده‌ی روایات ائمه علیهم السلام در زمینه‌ی علم اصول است.

موسوعه‌های حدیثی

- «البرهان فی تفسیر القرآن» تألیف سید هاشم بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ هـ.ق)
- «تفسیر صافی» تألیف ملا محسن فیض کاشانی
- این دو کتاب، کتاب‌های حدیثی در تفسیر قرآن هستند.

موسوعه‌های حدیثی

- «الوافی» تألیف ملا محسن فیض کاشانی
- «وسائل الشیعة» تألیف شیخ حر عاملی
- این دو کتاب در جمع روایات کتب اربعه (کتاب-های کلینی، صدوق و شیخ طوسی) هستند.

موسوعه‌های حدیثی

- «بحار الانوار» تألیف علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هـ.ق.).
- این کتاب اضافه بر روایات کتب اربعه، روایات کتب دیگری را نیز در خود دارد که در اختیار علامه مجلسی بوده است.